

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظریه پردازی برای طنز

تأملی در برخی وجوه فلسفی خنده

آرون اسموتز

مطالعه فلسفی طنز بر ایجاد و بسط یک تعریف قانع کننده و رضایت بخش از این مقوله تأکید داشته است و تا همین اواخر به گونه‌ای با آن برخورد شده که گویی بسختی هم گستره پهن خنده است. بنابر تحلیل‌های رایج، نظر به معنی طنز را می‌توان در ۳-گروه کاملاً مشخص و روشن دسته‌بندی کرد: ناهماهنگی، برتری و نظر به معنی رهایی. نظریه ناهماهنگی، رویکرد اصلی است و آرای شخصیت‌های تاریخی نظیر کانت و کی‌یزنگور را شامل می‌شود و احتمالاً در شرح‌های ارسطو در «فن شعر» ریشه دارد. این مکتب‌گرایان تأکید بر موضوع طنز، آن را باطنی به یک ناهماهنگی می‌دانند اصطلاحی که در کاربرد وسیع‌تر شامل ابهام، عدم احتمال منطقی، بی‌رحمی و عدم تناسب نیز می‌شود. توماس هابز - از نظریه پردازان برتری پلادایمی - گفته است که طنز برخاسته از یک «تجربور ناگهانی» است و هنگامی رخ می‌دهد که ما تصور کنیم از

دیگران برتریم. فلاطون و ارسطو در مجموع جزو نظریه پردازان برتری هستند آنها بر احساسات پر خاشاکانه تأکید می‌کنند که طنز را تنفیه می‌کند. در گروه سوم شخصیت‌هایی همچون فروید و هربرت اسپنسر را می‌بینیم که طنز را «السا را می‌برای خلاصی یا رهایی از نیروی (تجزی) ناشی از پر خاشاک می‌دانند. افزون بر این، مقاله حاضر گروه چهارمی از نظریه‌های طنز را بررسی خواهد کرد: نظر به بازی، نظریه پردازان بازی به شروط لازم توجهی ندارند. در عین حال از ما می‌خواهند که طنز را امتداد بازی (play) حیوانی بدانیم.

طنز، خنده، کمدی و جام مقدس

پیش‌بزرگی از کار روی طنز حول این سؤال پدید می‌گردد که «طنز چیست؟» و از طنز فی‌نفسه ریشه‌های تفریحی جدید دارد. در دیکشنری انگلیسی آکسفورد می‌خوانیم این واژه در قرن ۱۷ از تأملی روان‌شناختی درباره پیامدها و تأثیرات طنزهای (لطیفه‌های) مختلفی

که طبع و خلاق و خوی شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهند پدید آمد. عمده پژوهش‌های اولیه در باب طنز سرشار از مطالعه بین طنز و خنده است و این مسئله به بحث‌های اخیر راه یافته است. جان دیوی، دلیلی برای این تمایز ذکر می‌کند: خنده راه‌گشایی به چشم طنز نگریسته نسبت آن با طنز، صرفاً نسبتی عرضی است. خنده تشنگی پازان نردید و انتظار است؛ پایلی که به تمام معنی به طرف‌فالمی‌پنی حادث می‌شود و در عین حال امری عرضی است.

ما به دلایل مختلف می‌خندیم (شعبده‌چین یک جوک خنده‌دار، استنشاق گاز خنده‌آور، قلقلک شدن) که البته همه دلایل ناشی از آن چیزی نیستند که ما طنز می‌پنداریم. چنان موریل در تلاش برای ارائه نظریه‌ای کلی در صلب خنده و طنز، تمایزی دقیق تر میان آنها قائل می‌شود: «خنده ناشی از یک تغییر (تجول) روان‌شناختی خوشایند است. حال آنکه طنز ناشی از یک تحول شناختی خوشایند است.» رابرت پرووین نظریه

اهمیت‌آور جستگی خنده غیر طنز آمیز (بی‌مزه)، معتقد است خنده اغلب در مناسبات اجتماعی غیر طنز آمیز وجود دارد و به عنوان نوعی مکانیسم رهایی از تنش به کار می‌رود. اگر طنز شرط لازم خنده نیست، در این صورت می‌توان پرسید که آیا شرط کافی آن است؟ اغلب، طنز، خنده ایجاد می‌کند اما برخی اوقات صرفاً خنده مهم را ندارد. مسلمانان پدیده‌های نسبتاً منجزا عمیقاً به نحوی با هم ارتباط دارند، اما ما برای فهم رابطه بین آنها نیازمند مفهیم و تاقی‌های شفاف‌تری از هر دو مفوله خنده و طنز هستیم. مادر ایجاد تمایز بین خنده طنز آمیز و غیر طنز آمیز، یک تعریف کلی از طنز را از پیش فرض می‌گیریم که بخشی از آن بر ویژگی پاسخ ما و بخشی از آن بر ویژگی‌های چیزهای طنز آمیز مبتنی است. این مسئله لزوماً از چستی طنز نمی‌پرسد بلکه وارد فرایند واقعی ایجاد یک تعریف می‌شود. اولین هدف نظریه طنز، جستجوی مبنایی برای توانایی بافعل ما جهت شناسایی طنز است.

همه تمایز بین طنز ذات‌گرایانه است یعنی آنها می‌گویند شروط لازم و کافی ای را فهرست کنند که یک چیز برای آنکه طنز شمرده شود باید از آنها برخوردار باشد. برخی نظر به معنی آن عنصر طنزی را که ظاهر را در همه طنزها یافت می‌شود کنار می‌زنند و در عین حال از طرح مدعیانی در مورد شروط کافی طنز مسر باز می‌زنند. به نظر می‌رسد بسیاری از نظریه پردازان، بیان شرایط

صوری آنچه که طنز می خوانیم را با تبیین چرایی خنده دلز تر بودن چیزی نسبت به چیز دیگر در زده خلط می کنند.

این سؤال دوم (شرط کافی خنده دلز بودن یک چیز چیست؟) جام مقدس مطالعات مربوط به طنز است و باید از اهداف تریف شده مربوط به پاسخ طنز چنانچه بود. جام مقدس اغلب با سؤال مربوط به شرایط کافی پاسخ مایه ای آنکه چیزی طنز آمیز تلقی شود تشبیه گرفته می شود اما در این میان باید به این تمایز اساسی توجه داشت که تاملی مشروط یک پاسخ یا چنانچه کردن (کنار نهادن) ویژگی هایی که یک شیء برای ایجاد این پاسخ به آنها نیاز مند است تفاوت دارد مطلب نخست با بیان اینکه چه ویژگی هایی برای طرح پاسخ به چه چستی یک تفریح طنز آمیز کفایت می کنند. چهار متفاوت است پاسخ طنز آمیز یا آنچه یک چیز را طنز آمیز می کند فرق دارد با آنچه به آنکه زبانی ما در این حوزه زبان دقیقی نیست. حتم تمایز نهایی بین اسم (طنز) و معنی و معنی (طنز آمیز) این اصطلاح است. وار است معنی دلز شایسته از نظر معنای سنتی مربوط به طریقه یکسان انگشت بین این دو تلقی از این اصطلاح جاز می گردد.

آلادسته بندی نظریه پردازان بر اساس مسائل

تجلیل دی اچ مورنو که نظریه های طنز را در قالب ۲ نظریه برتری، ناهمگنی و رهایی طبقه بندی می کند. توفی بی ناچرا را از رقیب اصلی بین دیدگاه ایجاد می کند. نظریه پردازان نظریه خود را شرط لازم و کافی برای چیزی که می توان آن را طنز نامید دانسته اند چه رسد به اینکه بخواهد. دیدگاه خود را رقیب دیگر نظریه ها بلند مسئله دیگر، نظریه به آن چیزی است که می توان آن را طنز نامید بر برخی نظریه ها صرفاً به موضوع طنز می پردازند، حال آنکه برخی دیگر فلسفه و ویژگی های پاسخ به می پردازند و مابقی نیز در هر دو مورد بحث می کنند. فرو کاهین نظریه های طنز به ۳ گروه ناهمگنی، رهایی و برتری، یک سلسله تئوری بر ش از حد است. چندین دانشمند بیش از ۱۰۰ نظریه طنز

را شناسایی کرده اند و طبقه بندی پاتریشیا کیت اسپیکل از نظر معنای طنز به چهار مؤثر بوده است. او این نظریه ها را ۱- حساسیت می کند (بیولوژیکی، برتری، ناهمگنی، تمجیبی، چندگانگی، رهایی، ترکیبی و روانکاوانه)، ۲- جیم لوبل معتقد است که نظریه ها را می توان در ۳ دسته طبقه بندی کرد. به اعتقاد او نظریه های طنز را بسته به ناکید شدن می توان ذیل این مقولات جای داد: کارکردی، تحریکی و نظریه پاسخ اندکی. جستجو چو نشان می دهد که دستچندی قبیل، تصنیی است. چرا که بسیاری از نظریه های طنز بیش از یک سؤال را پاسخ می دهند و پاسخ به یک سؤال اغلب مستلزم پاسخ به سؤال دیگر است. مثلاً نظریه های رهایی اگر چه بر کارکرد طنز تأکید دارند اما اغلب در مورد هر ۲ سؤال پاسخ می دهند. در چنانچه دارند طنز مکلیسم رهایی از تنش است محتوای آن عمدتاً با تمایلات سرکوب شده در ارتباط است و خنده دلز یافتن آنها مستلزم با متضمن احساس رهایی است.

صرف نظر از الگوی طبقه بندی ناهمگنی تحلیل سنت نظریه های طنز باید بر سه کیم که چگونه هر یک از مکاتب به سؤالات اصلی ای که محور بحث را تشکیل می دهند، پاسخ می دهد. سؤالات اصلی نظریه طنز عبارتند از:

- ۱- سؤال مربوط به طنز: طنز چیست؟ پاسخ به این سؤال اغلب شامل پاسخ به سؤالات مربوط به موضوع و پاسخ می شود. این سؤال پرسش اصلی هر نظریه طنز است.
- ۲- سؤالات مربوط به ویژگی های موضوع طنز: (الف) ویژگی های غالب یک چیز خنده دلز چیست؟ (ب) ویژگی های لازم یک چیز خنده دلز چیست؟ (ج) سؤالات (یعنی مولفه های) که یک چیز باید داشته باشد تا خنده دلز شود کدامند؟ (ح) آیا عناصری وجود دارند که به واسطه خود یا وجودشان، شرایطی کافی برای خنده دلز شدن چیزی فراهم کنند؟ پاسخ به این سؤال برابر است با کشف جام مقدس نظریه طنز.
- ۳- سؤال مربوط به پاسخ آیا یک چیز خنده دلز ویژگی شناختی باروان شناختی خاصی دارد؟
- ۴- سؤال مربوط به خنده دلز با خنده چه

ارتباطی دارد؟ (نحوه این ارتباط چگونه است؟) نظریه فیرست فوق شاید بیرونیم که یک نظریه طنز معادل چیست؟ یک نظریه باید یکوشده سؤال ۱ پاسخ دهد. یعنی همان طنز چیست؟ اغلب نظریه پردازان طنز همانند نظریه های رهایی در ابتدا سعی نمی کنند به این سؤال جواب دهند بلکه در مورد ویژگی های لازم طنز بحث می کنند. با توجه به اینکه نظریه های مختلف طنز مجموعه های گوناگونی از سؤالات این گروه و نیز سؤال مربوط به مطالعه عام در خصوص طنز را مورد بررسی قرار می دهند. برابر نهادن آنها اغلب دشوار است بنابراین ما در ابتدا باید محدودی از نظریه های عمده طنز را که در تحلیل گسترده از این موضوع آمده بررسی کنیم.

الگوی نظریه های طنز

نظریه برتری: آ گونه مدعایر خصوص نظریه برتری طنز وجود دارد. ۱- ادعای قوی تر آن است که طنز به معنای مستلزم احساس برتری است و ۲- ادعای ضعیف تر آن است که احساس برتری اغلب در بسیاری از موارد طنز یافت می شود. افلاطون و ارسطو هیچ یک مطلب مشخصی در خصوص خلت طنز نگفتند. در همین حال تفسیر آنها ناظر به نقش احساس برتری در هنگامی است که ما چیزی را خنده دار می بینیم. افلاطون در «Philebus» می گوید هنر کبیری از لذت و آلم که در خیالت و بدجنسی تفریح «نهفته است و اینها با لذت او می گویند: غفلت، بدشمنی ای است که وقتی در شخصی ضعیف یافت شود مضحک است. مادر کمدی از مسخره کردن لذت می بریم که در واقع لذتی همراه با رنج حساست. برخی تغلب بر مختصر ارسطو در بوطیقه ما دیدگاه افلاطون را در خصوص لذت برخاست از کمدی تأیید می کنند. به گفته ارسطو امر مضحک زشتی یا ناقصی است که رنجی در پی ندارد. ارسطو در Rhetoric اثرات از موضوع کمدی می رود و بدله کبیری را نوعی «طهالت قره بخت» می نامد و می گوید در اخلاق نیمه خوب، چه جوک را از نوعی اهانت (فحش) توصیف می کند که باید مایه ای برین شود که رنج آور نباشد. افلاطون و ارسطو به جای آنکه به طور مشخص نظریه برتری طنز را بیان کنند، بر این ویژگی عام کمدی تأکید کرده و توجه ما را معطوف به ملاحظاتی اخلاقی کرده اند. توماس هابز مشهورترین نظریه برتری را مطرح کرده است او می گوید احساس خنده چیزی نیست مگر غرور ناگهانی ناشی از اینکه در یک آن تصور می کنیم برتر هستیم و دیگران ضعیفند. نظریه هابز بیش از آنکه نظریه طنز باشد، نظریه خنده است.

زایر ت. سالمن با ابطال نقلده نظریه برتری نظریه حقایق طنز را مطرح می کند. به گمان او خود-شناسی در دلتکجاری و لودگی و رفتار خودتقیحانه از خاصه های منبع طنز است که اساس اش حقایق یا توضیح است. سالمن به جای مقایسه خودهای حقیق امروز ما با خودهای جفیر پیشین مان، به این نکته توجه دارد که ما می توایم خود را جدی نگیریم یا خود را کمتر از ایندال بنگریم. تحلیل سالمن در مورد «دلتک» نظریه کلی در مورد طنز نیست. به این معنا که چیزی در مورد شروط لازم و کافی طنز نمی دهد اما نظریه او نظریه طنز است. به این معنا که پیشتر منبع احتمالی طنز یا آن چیزی است که می توان طنز نش نامید است. به این نظریه ما نظریه به کار کرد طنز نیز هست.

نظریه رهایی

نظریه های رهایی می گویند طنز راهی مشابه یک الگوی تنش زدا توصیف کنند. آنها به جای تصرف طنز، از فرایند های روان شناختی و ساختارهای بنیادی ای بحث می کنند که خنده ایجاد می کند. فروید و اسپنسر دو نظریه پرداز برجسته این حوزه هستند. دو قرالت از نظریه رهایی وجود دارد. ۱- قرالت قوی تر که معتقد است خنده یکسره ناشی از رهایی فرزی انسانی

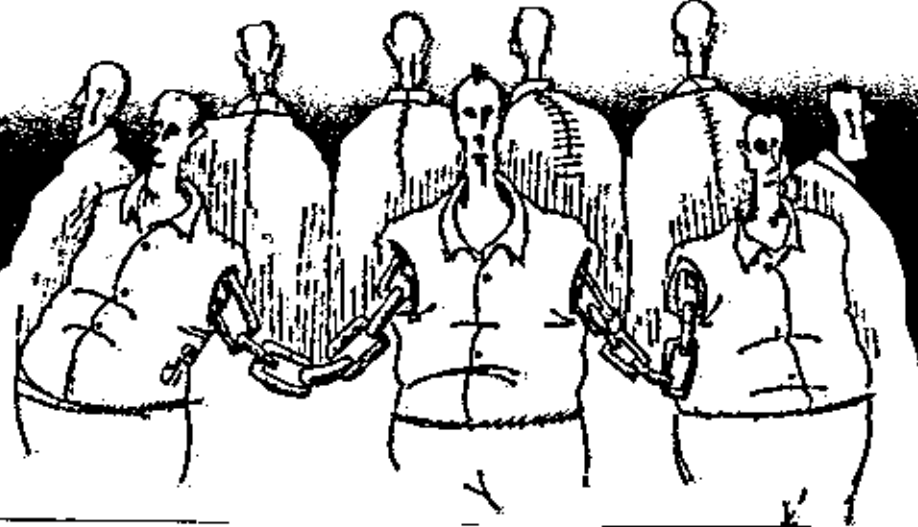
است. ۲- قرالت ضعیف تر که می گوید خنده طنز آمیز ناهمگنی، طنز رهایی از تنش است. فروید توصیف دقیق تری از مکلیسم انتقال انرژی ارائه می کند اما فرایندی که او توصیف می کند برای مدعیات اصلی نظریه رهایی طنز ضروری نیست. اسپنسر فرقی بولوزی خنده نظریه ای در مورد خنده مطرح می کند. این نظریه عصبانیا نظریه هیپرولیک فرزی عصبی که از طریق آن هیجان و آشفتگی ذهنی به سبب تولید انرژی ای می شود که خود را به هر طریق ممکن مصرف می کند. در ارتباط است او می گوید که هیجان عصبی همواره سبب حرکت عضلانی می شود. خنده به مثابه یک حرکت فیزیکی می تولید و انتقال صور مختلف انرژی عصبی باشد. اسپنسر دیدگاه خود را از قبیل برای نظریه ناهمگنی طنز نمی دانست بلکه می گویند توضیح دهد که چرا یک آشفتگی ذهنی ناشی از یک ناهمگنی انرژی منجر به این حرکت فیزیکی می شود. اسپنسر هرگز پاسخ قطع کننده ای به این سؤال نمی دهد اما یک ایده مبتنی بر مطرح می کند: یعنی بر اینکه خنده انرژی محبوس و فروخورده را آزاد می کند یکی از افتاده های وارد بر نظریه اسپنسر آن است که این نظریه اغلب معادلی طنز را که به سرعت رخ بده کبیری ها و کارتون هاست. ستیز تراکم انرژی نیز شد که پس از آنکه جوک گفته شد آن انرژی آزاد شود. شاید اسپنسر گمان می کند که بهترین توضیح برای خنده آن است که خنده انرژی تولید شده توسط طنز را رها می کند. اما با توجه به اینکه تجربی های طنز مستلزم تراکم انرژی نیستند و زمانی که ما آشفته می شویم پس از آن طنز به وجود نمی آید. توضیح بهتر شاید این باشد که خنده آن قدری هدف هم که به نظر می رسد تب است یا اینکه تمام مصرف انرژی (بی هدف یا هدفمند) به دستمزد یک تراکم انرژی می آید.

اسپنسر ممکن است پاسخ دهد که هر کس دانش از طریق فرایند مدبرانه استرس های روزانه در حال تراکم کردن (فروخورن) انرژی است. به معنای دقیق کلمه، اغلب افراد انرژی انسانی (گونه ای انرژی بالقوه) دارند انرژی ای که انتظار می کشد تا از طریق طنز آزاد شود. به عنوان مثال، شخصی اغلب می شنود که طنز به انسان امکان می دهد که پس از یک روز پر استرس کاری، خود را سبک کند. مشکل این استدلال آن است که افرادی که بسیار استرس دارند کمترین پذیرش طنز را دارند. تنها آکوش های طنز آمیز اغلب بر ارتباط با شخص مضطرب می اثر است بلکه لذتی که ایجاد می کنند نیز نوعاً بسیار اندک است. شاید اسپنسر بگوید که در یک مسئله خاص، انرژی فروخورده (محبوس) می تواند آن چنان دروازه ها را ببندد که طنز نتواند امکان رهایی ایجاد کند. فروید در کتاب «چو کها و ارتباط آنها با ناخودآگاه» قرالت دقیق تری از نظریه رهایی خنده ارائه می کند که همان بازگویی نظریه اسپنسر به علاوه یک فرایند جدید است. او منبع مختلف خنده یعنی جوک کمدی و طنز را توصیف می کند که همگی مستلزم ذخیره یک انرژی فرزی روانی است که از راه خنده تخلیه می شود. در جوک فرزی ای که احساسات جنسی و خشونت آمیز را سرکوب می کرده ذخیره می شود و با خنده آزاد می شود. در کمدی (کمیگ) فرزی شناختی ای که برای حل یک چالش فکری به کار می رفته باقی می ماند و می تواند آزاد شود. اثر طنز آمیز مستلزم ذخیره انرژی عاطفی است چرا که آنچه شرط تحریر یک احساس بوده چیزی است که نباید آن را چندان جدی گرفته سپس انرژی متراکم شده برای واکنش عاطفی جدید می تواند آزاد شود.

جزئیات بحث فروید در خصوص فرایند ذخیره انرژی عمدتاً دشوار و پیچیده است. باقی او از ذخیره انرژی سهم است. چرا که مشخص نیست منظور از اینکه می گویند انرژی ای که هرگز مورد نیاز نیست ذخیره می شود چیست. نظریه



معتقلمی به نظریه های رهایی
 او فرایند های روان شناختی ای به حساب
 می کشد که خنده را ایجاد می کنند.
 فروید و اسپنسر دو نظریه برتری هستند
 این حوزه هستند. دیدگاه اسپنسر
 رهایی وجود دارد: ۱- قرالت قوی تر
 که معتقد است خنده یکسره ناشی از
 رهایی انرژی اضافی است. ۲- قرالت
 ضعیف تر که می گوید خنده طنز آمیز اغلب
 مستلزم رهایی از تنش است. فروید و اسپنسر
 دقیق تری از مکلیسم انتقال انرژی ارائه
 می کنند اما فرایندی را
 که او توصیف
 می کند
 برای
 مدعیات
 اصلی نظریه
 رهایی طنز
 ضروری ندارد.



کارتون‌ها و نمادها

کاربرد نمادها در کاریکاتور ایرانی

گیت معروف شد این واقعه سبب خلق نمادهایی در آثار کارتون‌نویسان شد که مربوط به همان جریان مفصلی در تاریخ است با ماجرای عملیات فروری ۱۱ سپتامبر که طی آن برج‌های دوقلو در نیویورک فروریخت و دستمایه خلق بسیاری از آثار کارتون‌نویسان شد که دارای سمبل‌های مشخص آن دوره بود یا تصویری که از شکنجه‌های آناری و شکنجه‌های آن دوره قابل مشاهده بود. کارتون‌های آن دوره قابل مشاهده بود. طی سال‌های مختلفی که از ورود کاریکاتور به ایران می‌گذرد در دوره‌هایی که این هنر فرصت بروز و خودنمایی یافته است سمبل‌هایی را می‌بینیم که بر اساس یک رویداد یا ظهور برخی چهره‌ها و شخصیت‌ها به کارتون‌ها یا گنجانده شدند. مثلا در دهه اخیر، ظهور برخی گروه‌هایی که می‌خواستند افکار خود را از طریق خشنودن در جامعه رواج دهند باعث شد که کارتون‌نویسان از سمبل‌هایی استفاده کنند که بی‌شک نقد به این نوع تفکر بوده است. آثار به گذشته‌های دورتر برمی‌گردد، نشانی چون «گل آقا» یا «طنز و کاریکاتور» برای نقد سیاست‌های دولت سمبل شخصیتی چون دکتر حسن حبیبی - که معاون اول دولت وقت بود - را به عنوان سمبل دولت در کارتون‌های خود استفاده می‌کردند.

لذا سمبل‌های کلاسی را می‌توان در کارتون‌هایی دید که دارای دیالوگ و نوشته هستند. این کارتون‌ها - که بیشتر کارتون‌های «دنیای پدال» یا مطبوعاتی نام گرفته‌اند - برای بیان نقد همراه با طنز، از کلام استفاده می‌کنند. در این نوع سمبل‌ها نیز کلماتی هستند که با فرهنگ یک ملت گره خورده‌اند و در طول سال‌ها در آن خاصیت کلامی خود را از دست نمی‌دهند. این گونه سمبل‌ها را بیشتر برگرفته از حکایت‌ها و ضرب‌المثل‌ها و اشعار مختلف و معروف می‌توان دید. لذا گروهی دیگر از سمبل‌های کلاسی هستند که مربوط به مقطع خاصی از تاریخند که حادث شدن یک رویداد سبب خلق آنها شده است. شاید این سمبل‌ها را بتوان در میان کلماتی که مردم کوچه و بازار رد و بدل می‌کنند دید. پادشاه لطیف‌هایی که دهان به دهان می‌چرخند، جست‌وجو کرد شناخت و مطابقت و آگاهی از نمادهای بین‌المللی و بومی سبب می‌شود که رمزگشایی از یک اثر کارتون برای یک مخاطب راحت‌تر و لذت‌دهنده‌تر است. آن‌ها پیش از پیش باشند نمادها و نشانه‌ها یا سمبل‌ها باعث می‌شوند تا آثار کارتون، مضامین خود را در لایه‌های مختلف به مخاطب ارائه کنند.

هادی هودی رمزگشایی از کارتون‌ها جذاب‌ترین کاری است که هر مخاطب در رویارویی با آنها تجربه می‌کند. کارتون‌ها به دلیل داشتن ایهام، همواره متناسب با مخاطبان گوناگون، مفاهیم متفاوتی از خود به دست می‌دهند. در این میان از عوامل مهمی که دستمایه کارتون‌نویسان برای خلق مضامین حاوی ایهام قرار می‌گیرند، نمادها و نشانه‌ها یا سمبل‌های رایج است. شناخت سمبل‌ها و در مرحله بعد، تحلیل آنها در یک اثر کارتون، رمز ورود به معنای آنها است. در میان کشورهای دنیا، کارتون‌نویسان به خلق اثر می‌پردازند که آثارشان نه تنها به جوامع سطحی و کم‌مایه نیست بلکه مملو از مضامین عمیق و حاوی سمبل‌های فراوان است. کارتون‌نویسان اروپای شرقی را می‌توان معدن‌ترین هنرمندانی دانست که کارتون‌هایشان دارای چنین ویژگی‌هایی است. ایران نیز کارتون‌نویسان را به جهان معرفی کرده است که می‌توان آن‌ها را کارتون‌نویسان سمبلیست نامید. فضای خاص سیاسی و خطوط فرم نامعلوم و بسیاری دیگر از عوامل سبب خلق آن‌ها می‌شوند که دارای لایه‌های مختلف و مملو از نشانه‌ها و نمادهای فراوان است.

اما چگونه می‌توان از طریق شناخت سمبل‌ها از تصاویر طنزآمیز کارتون‌نویسان رمزگشایی کرد؟

سمبل‌ها در چند دسته‌اند:

- ۱- سمبل‌های تصویری: ۲- سمبل‌های کلامی
- در میان این ۲ دسته، سمبل‌هایی هستند که مربوط به یک فرهنگ و قوم و ملتند و گروهی دیگر، سمبل‌هایی که جنبه بین‌المللی داشته و می‌توان در تمام دنیا فهمی همگون از آنها داشت. به طور مثال، پرند صلیح یا شاهانه زبونی که در منقار دگر دمندی از آرایش و صلح است که در تمام جهان، شناخته شده و در بسیاری از آثار قابل مشاهده است. سمبل‌های یک کشور را می‌توان سمبل‌های بومی نامید. در نگاهی دقیق‌تر، باید گفت که برخی نمادها در طول زمان، معنا و مفهوم خود را از دست نداده و با تاریخ یک ملت آمیخته شده‌اند. می‌توان این گونه نشانه‌ها و سمبل‌ها را در ضرب‌المثل‌ها و اشعار برجسته یک فرهنگ جست‌وجو کرد. برخی نشانه‌ها اما بر اساس یک واقعه تاریخی سرزبان‌ها می‌افتد و به تصویر کارتون‌نویسان می‌شوند. اگر بخواهیم به نمونه‌ای از این گونه وقایع اشاره کنیم، می‌توان به ماجرای رسوایی اخلاقی بی‌بیل کلبتون - رئیس جمهور سابق ایالات متحده - اشاره کرد که به ماجرای مونیکا

گفتی، چندان سر و کاری با شروط لازم ندارند. در عین حال از مایه خواهند طنز را سبب و استناد بازی طبیعی بنمایم. آنها می‌کوشند توجه ما را معطوف به شبهات‌های ساختاری بین بافت بازی و بافت طنز کنند تا بگویند آنچه در مورد بازی صادق است در مورد طنز نیز صحت دارد.

نظریه پردازان بازی اغلب برای بررسی طنز از رویکرد کردار شناختی استفاده می‌کنند و آن را از طریق رشد تکاملی دنبال می‌کنند. آنها عوامل خنده‌آور نظیر تقلید را - که در بعضی کارهای دیگر هم یافت می‌شود - بررسی می‌کنند تا بگویند که در طنز، Ontogeny تعبیری از Phylogeny است. مارکس ایستمن در کتاب «ذات خنده» نظریه بازی طنز را با یک داستان توضیح و بسط می‌دهد. به گمان او مایه تولد مشابه‌های طنز را در رفتار حیوانات - خاصه در شیخنده شمشیرزما هنگام تقلید کردن - ببینیم. او تا اینجا پیش می‌رود که می‌گوید در حیوانات یک سبک خوشحال صورتی از خنده طنزآمیز است چرا که ایستمن می‌خواهد تعریف خنده را گسترده کند تا دیگر پاسخ‌های مقطعی به لذت را در بر بگیرد. دل در بحث اختصاصی در مورد طنز می‌گوید که مادر دنیایی با می‌گزاریم که در آن، نعمت خندیدن به طور فطری به ما داده شده و این احساس در پاسخ به دردهای است که به صورت بازی آید ما غرض می‌شویم. بنابراین گزارش ایستمن، آنچه در مورد طنز و بازی محوریت دارد. آن است که هر دو مستلزم یک نگاه بی‌طرفانه به آن چیزی است که جدی تلقی می‌شود.

ایستمن، طنز را صورتی از بازی می‌داند زیرا طنز متضمن یک دیدگاه و موضع بی‌طرفانه است. برخی از انواع طنز مستلزم توهین و بر خشکی ساختگی است و برخی صورتی منجر به خنده طنزآمیز می‌شوند یا توجه به اینکه ایستمن بازی را اقتباس این رویکرد بی‌طرفانه تعریف می‌کند. طنز نباید تعریفی صورتی از بازی به شمار می‌رود. اما این مسئله ظاهر اهم بسیار محدود کننده است و هم بسیار مبهم و گمانی تواند تر باشد. مسلط دقتی برای بازی باشد. جان هوزینگا در کتاب Homoludens بازی یکسنگ انگلستان بازی با خنده یا کمیک انتقاد است. گرچه هر دو، آنها مستلزم نوعی تضاد یا جدیت هستند اما بسیار نامتعارف نیستند. می‌گوید خنده خاص انسان است اما بازی در مستعدان و پرندگان دیگر یافت می‌شود. به علاوه اگر ما برخی انواع بازی را باطنی در نظر بگیریم، در این صورت یک تلقی غیر جدی برای بازی ضروری نخواهد داشت. در مورد طنز نیز همین گونه است. یکی گرفتن کمیگ یا طنز با بازی، دشوار و مستلزم است چرا که بازی بی‌غرضانه نه برای بازیگر و نه برای مردم، کمیگ نیست. هوزینگا سوال می‌کند که آیا طنز و بازی در هیچ شرط لازمی مشترکند؟ البته اگر طنز زورخانه بازی قرار گیرد این لازمه رابطه است. این به نحوه تعریف ما از طنز و بازی - که هر دو اینها را می‌گیرند - نیز بستگی دارد. دغدغه اصلی نظریه پردازان بازی مسئله تعریف کارکرد طنز به منظور توضیح اصطلاح پذیر و سازش پذیری آن است. وظیفه‌ای که دیگر نظریه‌های بیولوژیک طنز نیز برعهده دارند. طبق آنها شبهات‌های بین بازی و طنز بیشتر آن است که اصطلاح پذیر بازی همانند اصطلاح پذیر طنز است. محققان دیگری که بر مسائل کارکردی تاکید کرده‌اند طنز را واجد رشد شناختی، یادگیری مهارت‌های اجتماعی و راهی از تنش، مدیریت احساس، راهی از استرس و تعهد اجتماعی می‌دانند. البته این مسائل ابتدا توسط روان‌شناسان جامعه‌شناسان انسان‌شناسان و محققان علوم پزشکی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما در عین حال پژوهش‌های آنان به مفهوم رویه رشد و تکامل طنز متکی است و به آن کمک می‌کنند.

آنچه تعریف‌های بازی توصیف و بیان نظریه‌های بازی در طنز به مثابه یک مکتب یا رویکرد مستقل شاید بزرگ‌ترین و اغراق در مورد دامنه‌های آنها باشد. عین حال آنها می‌توانند نماینده شایسته نظریه‌هایی باشند که بر مسئله کارکرد تاکید دارند. نظریه‌های بازی با بررسی ویژگی باطنی می‌کوشند طنز را در قالب فعلیاتی از بازی طبقه‌بندی کنند. نظریه پردازان بازی در این فرایند طبقه‌بندی

فریاد در مورد جوک این است که می‌گوید آنجا که تفریحی لازم برای سرکوب یک میل به کار می‌شود، این تفریحی توسط جوک ذخیره می‌شود که خود جوک به پرخشکی امکان تخنیه (زادری) می‌دهد. منزل و کارول انتقاد مشابهی از این نظریه مدیریت تفریحی دارند. شاید ما بدلیفم تفریحی سرخورده یا فروخورده چیست. اما از تفریحی که میل را سرکوب می‌کند تلقی مشخصی نداریم. این نظریه جوکه قرار از مدعای عجیب و غریب بودن منجر به مشاهدات تجربی مورد انتظار مانی شود. بنابراین تفریحی فروید اغلب افراد سرخورده ظاهر از جوک بیشترین لذت را می‌برد. اما در عین حال عکس این قضیه هم صادق است.

نظریه‌های راهی خنده به ما امکان نمی‌دهند که خنده طنزآمیز را از خنده غیر طنزآمیز جدا کنیم. تفریحی ذخیره شده فروید به لحاظ نظری غیر قابل تمایز از سایر صورت تفریحی است. همان گونه که در مورد اسپنسر دیدیم، نظریه‌های راهی را باید بر نظریه دیگری از طنز سوار کرد. تلاش فروید برای توضیح اینکه چرا ما می‌خندیم نیز تلاشی است جهت تعیین اینکه چرا ما تفریحی جوک‌های منفرقه را خنده‌دار می‌دانیم.

نظریه ناهماهنگی، نظریه غالب طنز است چرا که به نظر می‌رسد عمده موارد خنده‌دار را توجیه می‌کند. عمده ایجاد نظریه ناهماهنگی صرفا می‌کوشد شروط لازم طنز (در یک ناهماهنگی) را بیان کند و کاری به شروط تکلیفی آن نگذرد. اسطو در Rhetoric اولین نشانه نظریه ناهماهنگی طنز را مطرح می‌کند و می‌گوید بهترین راه خندیدن مخاطب ایجاد یک توقع و ارائه چیزی است که تعریف یا پیشی ایجاد کند. اسطو پس از بحث در مورد قدرت مجاز (استعاره) در ایجاد تعجب در شنونده می‌گوید که «تأثیر جوک به تغییر کلمات یک عبارت بستگی دارد. این نیز یک شکفتی است. این امر هم در شعر و هم در نثر وجود دارد. کلماتی که می‌آید، آن چیزی نیست که شنونده تصور می‌کند. این سخنان، شبیه نظریه تعجب طنز است. یعنی شبیه نظریه‌ای که بعدها در کارت آن را مطرح کرد. اما اسطو در ادامه توضیح می‌دهد که چگونه تعجب باید تاحدی با حقایق مطابقت داشته باشد. در کارت در نقد قوه حکم» تعبیر مشخص تری در خصوص نقش ناهماهنگی در طنز ارائه می‌کنند. در هر چیزی که قرار است خنده ایجاد کند باید چیز مبهم و خود داشته باشد. خنده تأثیری است بر خنده از انتقال ناگهانی یک توقع ساختگی از هیجانی.

بنابراین گفته‌های و شواهد نظریه ناهماهنگی طنز، شروط لازم موضوع طنز را مشخص می‌کند. تاکید بر شیء طنزآمیز، آن چیز را از محدوده تحلیل طنز خارج می‌کند. چرا که بسیاری از چیزها وجود دارند که ناهماهنگ و بی‌تناسب هستند. اما خنده ایجاد نمی‌کنند. سخن جدی‌تر در مورد نظریه ناهماهنگی باید شمول پاسخ خوشایندی باشد که شخص به نشانی طنزآمیز می‌دهد. جان مرس می‌کوشد با تاکید بر پاسخ ما شروط کافی را برای شناسایی طنز ارائه دهد. او خنده یا شادی طنزآمیز را ایجاد شادی و لذت در یک تعریف شناختی (درونی) می‌داند. نظریه ناهماهنگی را می‌توان نظریه پاسخ‌محوری دانست که مدعی است طنز نوع خاصی از واکنش است که ناهماهنگی تلقی می‌شود.

آنچه تعریف‌های بازی توصیف و بیان نظریه‌های بازی در طنز به مثابه یک مکتب یا رویکرد مستقل شاید بزرگ‌ترین و اغراق در مورد دامنه‌های آنها باشد. عین حال آنها می‌توانند نماینده شایسته نظریه‌هایی باشند که بر مسئله کارکرد تاکید دارند. نظریه‌های بازی با بررسی ویژگی باطنی می‌کوشند طنز را در قالب فعلیاتی از بازی طبقه‌بندی کنند. نظریه پردازان بازی در این فرایند طبقه‌بندی

روزنامه